
در سپهر اقتصاد و سیاست

یادداشت‌ها و مصاحبه

غلامرضا نظربلند



انتشارات لوح فکر

تهران ۱۳۹۹

فهرست مطالب

پیشگفتار ۹

بخش اول. سپهر اقتصاد سیاسی بین‌الملل

- فصل اول. قدرت اقتصادی یگانه لازمه هژمونی نیست ۱۲
- فصل دوم. کفه ترازوی روابط تهران - مسکو به نفع روس‌ها سنگینی می‌کند ۲۴
- فصل سوم. واکاوی مذاکرات هسته‌ای در سپهر خاکستری و شکننده نظام جهانی ۲۶
- فصل چهارم. میزگرد بررسی تأثیر به قدرت رسیدن هریک از کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا بر اقتصاد ایران ۳۱
- فصل پنجم. چین نمی‌تواند جای آمریکا را بگیرد ۵۰
- فصل ششم. برنامه زاهدردی ترامپ، مهار چین است ۶۱

بخش دوم. ساختار اقتصاد ایران

- فصل هفتم. گفتمان‌سازی اقتصادی را تعطیل کردیم ۸۲
- فصل هشتم. اقتصاد چندتکه، ناکارآمد است ۹۰
- فصل نهم. بخش خصوصی در خلأ شکل نمی‌گیرد ۹۶
- فصل دهم. تبلیغ یارانه در مبارزات انتخاباتی سبقت گرفتن در جاده مرگ است ۱۱۳
- فصل یازدهم. اقتصاد ایران در برابر ۲ موج تورمی ۱۱۶

بخش سوم. مبارزه با فساد

- فصل دوازدهم. پیشاهنگی مجلس برای مبارزه با فساد اقتصادی ۱۲۰
- فصل سیزدهم. پرداخت‌های شکلاتی به دردانه‌ها ۱۲۲
- فصل چهاردهم. مبارزه با فساد اراده ملی می‌خواهد ۱۲۷
- فصل پانزدهم. حساب‌سازی ممنوع! ۱۲۹
- فصل شانزدهم. در رثای بارینگز بانک ۱۳۱

۱۳۳	فصل هفدهم. اسم رمزپاتک جنگ اقتصادی
۱۳۶	فصل هجدهم. آدرس پولشویان کجاست؟
۱۴۰	فصل نوزدهم. رابطه جرم سازمان یافته و فساد
۱۴۴	فصل بیستم. مخاطره اخلاقی

بخش چهارم. زمامداری خوب

۱۴۸	فصل بیست و یکم. روحانی مانع «هزار فامیلی» شود
۱۶۱	فصل بیست و دوم. دولت درصد پاسخ‌گویی برآید
۱۶۴	فصل بیست و سوم. به نام ریاض به کام ترامپ
۱۶۷	فصل بیست و چهارم. ماریپیچ فقر
۱۷۰	فصل بیست و پنجم. ۹۸؛ خاکستری اما با راهکار

بخش پنجم. تحریم‌های ضد برجامی، راهکارهای ضدتحریمی

۱۷۶	فصل بیست و ششم. برجام با فرجام، برجام نافرجام
۱۸۰	فصل بیست و هفتم. مصائب ریال، حباب دلار
۱۸۵	فصل بیست و هشتم. روحی در کالبد برجام؟
۱۸۸	فصل بیست و نهم. پارادوکس تحریم‌ها
۱۹۲	فصل سی‌ام. تحریم غیرقانونی، دورزدن قانونی
۱۹۶	فصل سی و یکم. نسخه مالی مشروط اروپا برای دورزدن تحریم‌ها
۱۹۹	فصل سی و دوم. اروپا و دوراهی حرف و عمل
۲۰۲	فصل سی و سوم. قابلیت اجرایی کانال ویژه مالی
۲۰۷	فصل سی و چهارم. «راه میانه» علیه تحریم‌ها
۲۱۰	فصل سی و پنجم. اسب تروای ترامپ
۲۲۰	فصل سی و ششم. سخنی با ۲+۱
۲۲۳	فصل سی و هفتم. معامله نفتی مشروط با یورو

بخش ششم. FATF

۲۳۴	فصل سی و هشتم. FATF در محک آزمون
۲۳۸	فصل سی و نهم. FATF برای چهارمین بار روی خوش نشان داد
۲۴۱	فصل چهلم. مخالفت با FATF از جیب مردم

۲۴۴	اصطلاح‌شناسی
۲۵۳	فهرست اعلام

زمره کارشناسانی قرار می‌دهد که هم در حوزه سیاست و دیپلماسی و هم در حوزه اقتصاد حرف برای گفتن دارد. وی معتقد است داشتن قدرت برتر اقتصادی لازمه هژمونی است، اما قدرت برتر اقتصادی تنها فاکتور برای تبدیل شدن به هژمون نیست؛ که اگر این‌گونه بود چین باید قدرت هژمون می‌شد. به گفته «غلامرضا نظربلند» هژمون باید قدرت اقتصادی خود را به بازوهای قوی نظامی و سیاسی هم تجهیز کند.

قدرت اقتصادی یگانه لازمه هژمونی نیست*

• چطور دو رشته دور از هم، یکی سیاست و دیگری اقتصاد می‌توانند تا این حد نزدیک به هم شوند که بر یکدیگر تاثیر بگذارند؟

در ابتدا اجازه می‌خواهم که بحثی تئوریک در باب اقتصاد سیاسی خدمت‌تان داشته باشم. اقتصاد سیاسی بین‌رشته‌ای (inter-disciplinary) است که از دو رشته اقتصاد و سیاست تشکیل شده و کارش تحلیل تاثیر متقابل عوامل سیاسی بر عوامل اقتصادی است. این بین‌رشته‌ای وقتی که مرزهای ملی را درمی‌نوردد و پای آن به سپهر بین‌المللی باز می‌شود، دیگر نه فقط با یک دولت به‌عنوان یک واحد سیاسی مستقل، بلکه با دولت‌های متعدد و گوناگون سروکار پیدا می‌کند. ورود اقتصاد سیاسی به سپهر بین‌المللی یک سه‌رشته‌ای را شکل می‌دهد که رشته سوم آن، روابط بین‌الملل است. از این رو، به‌آن «اقتصاد سیاسی بین‌المللی» (international political economy) می‌گویند. نظریه انتخاب عمومی (public choice theory) به‌این سه‌رشته‌ای چارچوبی مفهومی (conceptual framework) بخشیده است. درهم‌آمیختگی اقتصاد و سیاست با چاشنی روابط بین‌الملل به‌این صورت، بحث‌ها و چالش‌های زیادی را بین اصحاب رشته‌های سه‌گانه مزبور به‌خصوص بین اقتصاددانان و علمای سیاست موجب شده است.

• اختلاف نظر علمای علم سیاست و اقتصاد کجاست؟

به‌طور کلی، نظرات ارایه شده طیف وسیع و متنوعی را تشکیل می‌دهد. در یک سر این طیف گروه‌هایی از صاحب‌نظران علوم سیاسی قرار دارند که در برابر به حاشیه رفتن حوزه تخصصی‌شان مقاومت از خود نشان داده‌اند، چرا که در تئوری انتخاب عمومی کفه اقتصاد

یک پا در اقتصاد داشت و پای دیگر در سیاست؛ نه داخلی بلکه خارجی. دیپلمات بود. تجربه حضور در دستگاه دیپلماسی از تهران گرفته تا دفاتر نمایندگی ایران در خارج از مرزها را پشت سر گذاشت. مدارج را پله پله طی کرد؛ تا سفارت. سفیر شد؛ در سریلانکا. همین کشور شد ایستگاه آخرش. از قطار دیپلماسی که پیاده شد خود را بازنشسته کرد؛ البته زود هنگام و خودخواسته. سه سال پیش عطای فعالیت و کار دولتی را به لقایش بخشید. پای خود را از سیاست بیرون کشید و ثابت قدم تر از قبل وارد اقتصاد شد. البته نه برای کسب و کار، بلکه برای تحقیق و پژوهش؛ تدوین و تالیف. حاصلش هم شد چاپ چند کتاب از جمله «فرهنگ اصطلاحات مالی و سرمایه‌گذاری». او برگشت به همان جایی که آمده بود. «غلامرضا نظربلند» سال‌ها پیش از شهر شعر و ادب برای تحصیل در دانشگاه به تهران آمد. در موسسه علوم بانکی ایران، بانکداری خواند. شاگرد اول مقطع لیسانس شد. «اقتصاد»، «مکان‌یابی صنعتی و توسعه» و «مدیریت با گرایش مالی» سه رشته‌های مقطع فوق لیسانس اش در دانشگاه‌های شیراز و بروکسل بودند. او بعد از مدتی وقفه وارد مقطع دکترا شد. ابتدا در دانشگاه دهلی و سپس در دانشگاه نیوکاسل انگلیس پذیرفته شد و با تشریح مساعی هر دو دانشگاه در دسامبر ۱۹۹۹ در رشته مدیریت مالی با گرایش ارزش مدرک دکترا گرفت. همین سوابق و تحصیلات است که از او چهره‌ای برجسته می‌سازد و او را در

* گفت‌وگو با روزنامه شرق ۲۳/۲/۱۳۹۱؛ مصاحبه و تنظیم: مجتبی کرمی